

دو فصلنامه علمی - تخصصی علامه
سال دوازدهم - شماره پیاپی ۳۶
بهار و تابستان ۹۱

روضه المریدین ابوجعفر بن یزدانیار*

یدالله نصراللهی**

چکیده

ابوبکر بن یزدانیار، صوفی مشهوری است که در اوایل قرن چهارم درگذشته است و مولفان و تذکره‌نویسان احوال و اقوال او را به صورت مختصر ذکر کرده‌اند. غیر از این صوفی، عارف دیگری به نام ابوجعفر بن یزدانیار بوده که احتمالاً در قرن پنجم هجری می‌زیسته است؛ این صوفی اثر مختصری به نام «روضه المریدین» دارد که موضوع آن تبیین و توضیح مفاهیم عرفان و تصوف است و مؤلف در آن به اقوال بزرگان دین و مشاهیر صوفیه استناد کرده است. نویسنده این اثر را به زبان عربی و سبکی کاملاً ساده و روان تألیف کرده است. این اثر چهل و سه باب دارد. مقاله حاضر، به معرفی این اثر و مؤلف آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ابوبکر بن یزدانیار، ابوجعفر بن یزدانیار، روضه المریدین.

* تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۲۵

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان Y_sasr.com@Yahoo.com

مقدمه

در تاریخ تصوف و عرفان ایران، از صوفی مشهوری به نام «ابوبکر حسین بن علی بن یزدانپار ارموی» که هرچند تاریخ ولادت و جزئیات حیات او معلوم نیست، ولی در سال ۳۳۳ هـ در ارومیه، وفات یافته است. ابو عبدالرحمن سلمی در طبقات الصوفیه، شرح حال مختصری از او را به همراه اقوالی چند، نقل کرده است که اغلب تذکره‌نویسان و مولفان آثار عرفانی، آنها را نقل یا ترجمه کرده‌اند.^۱

ابوجعفر بن یزدانپار «مولف روضه‌المیردین»، احتمالاً از خویشاوندان و بستگان نسبی ابوبکر بن یزدانپار (صوفی مشهور) بوده است. هر چند که ما اطلاع موثق و متقنی از قرابت نسبی این دو عارف به دست نیاوردیم و چنان که نقل خواهد شد از جزئیات حیات و عمر و محیط زندگی مولف هم از متن روضه‌المیردین، مطلب خاصی استنباط نکردیم. برخی به اشتباه و با تمسک به مجاز تغلیب، ابوبکر و ابوجعفر بن یزدانپار را یکی می‌دانند. با ملحوظ داشتن دلایل زیر این فرض نادرست است:

۱- در دو جا از روضه‌المیردین، ابوبکر بن یزدانپار ارموی، ذکری رفته و مؤلف، قولی از او نقل کرده است:

الف- وَقَالَ أَبُو بَكْرٍ بِنِ يَزْدَانِيَارِ أَرْمَوِي لَيْسَ لِيَّ مَقَامٌ يَطْرَحُ فِيهِ الْإِدْبَ مَنْ تَرَكَ الْإِدْبَ عَوْقَبَ بَحْرْمَانَ السَّنَهْ وَ مَنْ تَرَكَ السَّنَهْ عَوْقَبَ بَحْرْمَانَ الْفَرِيضَهْ وَ مَنْ تَرَكَ الْفَرِيضَهْ عَوْقَبَ بَحْرْمَانَ الْمَعْرِفَهْ (ابن یزدانپار، نسخه A ، 4a). ابوبکر بن یزدانپار ارموی می‌گفت: هیچ مقام الهی نیست که ادب در آن طرح نشود؛ هرکس، ادب را ترک کند به محرومیت از سنت گرفتار می‌شود و هرکس، سنت را ترک کند به محرومیت از انجام فرضیه، گرفتار می‌گردد و هرکس که فریضه را ترک گوید به محرومیت از معرفت دچار می‌شود.

ب (حُكِيَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الشَّرَوِينِيِّ ^۲ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ بَنِي يَزْدَانَ أَرَامِي رَأَى فِي النَّوْمِ فَقَالَ أَيُّ الْأَعْمَالِ وَجَدْتَهُ أَنْفَعَ، فَقَالَ وَجَدْتُ شَيْئًا بَعْدَ التَّوْحِيدِ أَنْفَعٌ مِنْ صَحْبَةِ الْفُقَرَاءِ... (همان، 43a,b) ترجمه: از احمد بن عبدالله شروینی، نقل شده است که همانا ابوبکر بن یزدانبار ارموی را در خواب دیده است. پس از او پرسیده است که کدام عمل را سودمندترین عمل دانسته است؟ و او در جواب گفته که: بعد از توحید، سودمندترین عمل را، همنشینی با اهل فقر می‌داند.

۲- سلمی در طبقات الصوفیه، مدخل مستقلی در باره ابوبکر بن یزدانبار (صوفی مشهور) نوشته است. چنان که می‌دانیم سلمی در سال ۴۱۲ هجری درگذشته است، یعنی قریب یک قرن بعد از وفات ابوبکر بن یزدانبار. در حالی که مؤلف در متن روضه‌المریدین، چندین قول و مطلب از سلمی نقل کرده است. این بدین معنی است که مؤلف روضه‌المریدین (ابوجعفر بن یزدانبار)، بعد از سلمی می‌زیسته و اقوال او را در اثر خود ذکر کرده است.

۳- مولفان منابع و متون عرفانی، صراحتاً متفق‌القولند که ابوبکر بن یزدانبار (صوفی مشهور) با صوفیان بغداد درگیر بوده و به انکار و مخالفت آنها مبادرت می‌ورزیده است. از بین آن صوفیان، بالخصوص با شبلی معارضه داشته است. این مطلب، اصلاً در متن روضه‌المریدین انعکاس نیافته و حتی از متن روضه‌المریدین، صراحتاً چنین برمی‌آید که مؤلف آن (ابوجعفر) تمایل و ارادتی به صوفیان عراق داشته است و مؤلف چندین قول از شبلی و جنید و دیگر صوفیان در آن اثر نقل کرده است.

هرچند که امروز ما اطلاعات اندک و محدودی راجع به احوال و اقوال ابوبکر بن یزدانبار (صوفی مشهور) داریم؛ ولی متأسفانه، اطلاع خاصی از شرح حال، تاریخ حیات و محیط عصر ابوجعفر بن یزدانبار (مؤلف روضه‌المریدین) در دست نیست. از بین منابع

قدیم، ظاهراً فقط حاجی خلیفه، در کشف‌الظنون، مدخلی دو سطری راجع به روضه‌المریدین، نگاشته و نام نویسنده آن را به صراحت و به طور کامل بیان کرده است. این نقل درست، احتمالاً بدان جهت است که حاجی خلیفه، خود، این اثر را دیده است. این نکته لازم به ذکر است که حاجی خلیفه، «یزدانیار» را «یزدالانباری» خوانده است: «روضه‌المریدین، مختصر للشیخ ابی جعفر محمد بن احمد یزدالانباری (!) ألفه فی آداب التّصوف و الصوفیه و احکامهم و طریقتهم و آحوالهم و مُختصر لبعضهم اوله الحمد لله حمداً یكون له الخ» (حاجی خلیفه، ۱۹۴۲، ۵۱۱-۵۱۲)، ترجمه: روضه‌المریدین، اثر مختصری است از ابوجعفر محمد بن حسین بن احمد یزدالانباری (!)، مؤلف، این اثر را در آداب تصوف و صوفیه و احکام و طریقه و احوال آنها تألیف کرده است و مختصری است از آن یکی از آنها (صوفیان)، آغاز اثر با الحمد لله حمداً یكون له ... شروع می‌شود.

بعد از حاجی خلیفه، منوچهر دانش‌پژوه در مقاله‌ای به معرفی میکروفیلی از «روضه‌المریدین» پرداخته است.^۳ و بعد از او مرحوم زرین کوب، در اثر جستجو در تصوف ایران، به معرفی ابوبکر بن یزدانیار (صوفی مشهور) مبادرت ورزیده و مختصری از احوال و اقوال او را نقل کرده است. علاوه بر آن در بخش یادداشتها، از ابوجعفر بن یزدانیار، مؤلف روضه‌المریدین، ذکری آورده است و متذکر شده که شخصی به نام جان‌الدین ویلیامز، در آمریکا، متن روضه‌المریدین را تصحیح و چاپ نموده است.^۴

پس از ذکر این مقدمه، شاید بتوان گفت که ابوجعفر بن یزدانیار (مؤلف روضه‌المریدین)، از اعقاب و بازماندگان ابوبکر بن یزدانیار (صوفی مشهور) بوده است؛ هر چند به غیر از کنیه (ابن یزدانیار) مطلب خاصی که مؤید این مطلب باشد در دست نیست. در باب همین کنیه (ابن یزدانیار) شاید بتوان گفت که جد اعلای هر دو صوفی،

غیر مسلمان بوده است و این که از چه زمانی به دین مبین اسلام گرویده‌اند در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است و از متن روضه‌المریدین، هم بدین امر راهگشایی نیست. با تأسف باید گفت و پذیرفت که چه در منابع قدیم و چه در متن خود روضه‌المریدین اطلاع خاصی درباره شرح مولف اثر، به دست نیاوردیم. در متن و در آغاز، صراحتاً نام و کنیه و نام پدر و جدّ مولف، بدین قرار ذکر شده است: ابوجعفر محمد بن حسین بن احمد بن یزدانبار. به استثنای این که در دو جای روضه‌المریدین، مؤلف به استاد و پیر خود اشارتی کرده و از او به نام «شیخ ابومدین» تعبیر کرده است. متأسفانه، درباره هویت این پیر و شخص هم نتوانستیم به مطلب متقنی دست یابیم:

الف - وَ لَقَدْ كَانَ شَيْخَنَا أَبُو مَدِينٍ بِيَلَدِنَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ مَا دَخَلْتُ فِي ابْتِدَاءِ حَالِ عَلِيِّ شَيْخٍ حَتَّى أَغْتَسَلَ وَ اطَّهَرَ ثَوْبِي وَ عَصَايَ ... (ابن یزدانبار، نسخه A ، 36b).

ترجمه: و به تحقیق، شیخ ما ابومدین، رضی الله عنه، که در سرزمین ما بود می‌گوید، در ابتدای حالتیم بر هیچ پیری وارد نمی‌شدم مگر آن که غسل می‌کردم و لباس و عصایم را تمیز می‌کردم.

ب - وَ كَانَ أَمَامَنَا أَبُو مَدِينٍ يَقُولُ لِلْمَرْدِي وَ الرَّخْصِ ... (همان / 58b) ترجمه: پیر و پیشوای ما ابومدین درباره مرید و رخص می‌گفت.

احتمالاً مولف، در قرن پنجم هجری می‌زیست و اثر خود را در آن تاریخ تألیف نموده است؛ چون در متن اثر، از صوفیانی نام‌برده و اقوال آنها را ذکر کرده است که متأخرین آنها در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری می‌زیسته‌اند: از قبیل ابوالقاسم نصرآبادی که در سال ۳۶۷ هـ و ابوعلی دقاق که در سال ۴۰۵ و ابوعبدالرحمن سلمی که در سال ۴۱۲ هـ وفات یافته‌اند. چنانچه ذکر شد، در متن اثر به هیچ تاریخ و واقعه تاریخی اشاره نشده است تا از آن طریق بتوان آگاهی‌هایی راجع

به تاریخ عصر و محیط و حیات مولف کسب کرد؛ و این شیوه، شیوه غالب مولفان عرفان و تصوف هست و این را در دیگر آثار عرفانی نیز می‌توان دید. روضه‌المریدین، اثری است که ابوجعفر بن یزدانیا، آن را به زبان عربی نوشته است و باز به سان آثار عرفانی منثور عربی، به سبکی کاملاً ساده و روان تألیف یافته است؛ از لغات و اصطلاحات پیچیده، مبهم و مغلق در آن اثری نیست، برای اثبات این مدعا، بخشی از آغاز اثر را نقل می‌کنیم:

«بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين ربّ سهل و يسر و لا تُعسر

فَقَدْ سَأَلَنِي بَعْضُ الْأَخْوَانِ بَانَ أَجْمَعَ لِعَهْمِ فَصُولَا فِي مَعْنَى آدَابِ الصُّوْفِيَةِ وَ أَحْكَامِهِمْ وَ طَرِيقَتِهِمْ وَ أَحْوَالِهِمْ وَ اخْلَاقِهِمْ، فَأَجَبْتَهُ إِلَى مَلْتَمَسِهِ وَ اخْتَصَرْتُ لَهُ طَرَفَهُ مِمَّا سَمِعْنَا مِنَ الْمَشَايِخِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنِّي تَرَكْتُ الْأَسَانِيدَ لِلتَّطْوِيلِ وَ جَعَلْتُهُ كِتَابًا مُوجِزًا لَطِيفًا وَ سَمِيحًا رَوْضَةَ الْمُرِيدِينَ وَ بِاللَّهِ اسْتَعِينُ فِيهِ وَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي وَ لِأَحْوَالِي وَ لِأَقْوَمِهِ الْأَبَالِغِ (نسخه A ، 3a). با یک نگاه اجماعی، می‌توان به زبان بی‌پیرایه و سبک ساده اثر پی برد. روضه‌المریدین، اثری است کلی و نظری که مولف آن را برای تبیین اصول و معتقدات عرفانی به رشته تحریر درآورده است و به همین جهت مولف از حکایت کمتر استفاده کرده است. این اثر چهل و سه باب دارد و برای این که از عنوان بابها، بتوان به موضوع اجمالی و کلی اثر پی برد، نام بابها را در این جا به صورت کامل نقل می‌کنیم.

- ۱- آداب الصوفیه ۲- احکام الصوفیه ۳- نعت الصوفیه ۴- التغلیظ فی لبس المرقعه ۵- اوصاف الصوفیه ۶- احوال الصوفیه ۷- ذاتیه التصوف ۸- اشتقاق اسم التصوف ۹- اصل مابنی علیه التصوف ۱۰- الاقتداء بالمشایخ و التادب بآدابهم ۱۱- صفه المریدین ۱۲- احکام المریدین و آدابهم ۱۳- احکام الصوفیه فی السفر و

آدابهم ۱۴- احوال المشایخ مع المریدین ۱۵- حکم المرید مع المشایخ ۱۶- حقیقه الفقر و صفه المحققین ۱۷- الصحبه مع الصوفیه ۱۸- اباحه السماع ۱۹- اوصاف اهل السماع ۲۰- ذکر من یباح له السماع ۲۱- الوجد ۲۲- حقیقه السماع ۲۳- آداب السماع ۲۴- شرط السماع ۲۵- کراهیه السماع ۲۶- صفه المحبه و احوال المحبین ۲۷- حقیقه المحبه ۲۸- کیفیه المحبه ۲۹- المعرفه ۳۰- التوکل ۳۱- صفه التوکل ۳۲- صفه المتوکلین ۳۳- الرضا ۳۴- الصبر ۳۵- الصمت ۳۶- الشفقه ۳۷- حسن الخلق و التواضع ۳۸- مکارم الاخلاق ۳۹- کراهیه السوال ۴۰- الفتوه ۴۱- السخا ۴۲- الوصایا ۴۳- شرایط التصوف

در ابتدای اثر، مؤلف به حمد خدا و نعت رسول اکرم (ص) می‌پردازد و ابراز می‌دارد که یکی از یاران از او درخواست می‌کنند که اثر عرفانی، تدوین نماید و او نیز درخواست آنها را اجابت می‌کند.

مؤلف اثر در ابتدای هر باب، آیه‌ای از قرآن یا حدیثی از حضرت رسول اکرم (ص) نقل کرده است. بعد برای اثبات نظر و قول خود از آراء و اقوال شخصیت‌های بزرگ مذهبی استمداد جسته است: شخصیت‌هایی چون امام جعفر صادق (ع)، ابوذر غفاری، سلمان فارسی.

قال جعفر بن محمد الصادق [ع] نهینا عن اظهار العلم یعنی علوم التصوف لغیر اهله ... (ابن یزدانبار، نسخه A، 15b). ترجمه: [امام] جعفر بن محمد صادق [ع] فرمود: ما از اظهار علم، نهی شدیم یعنی از اظهار علم تصوف به غیر اهل آن.

و گاهی نیز سخنانی از شافعی، احمد حنبل و دیگر علمای اهل سنت نیز در خلال متن اثر نقل کرده است. بعد از این اشخاص، از صوفیان بنام چون: بایزید، حلاج، تستری، نوری، ابوسعید خراز، جنید، سلمی، ابو حفص نیشابوری، شبلی و ... نقل قول

کرده است. غیر از این صوفیان مشهور، از صوفیان کمتر شناخته شده‌ای نام می‌برد کسانی چون: ابوموسی دیبلی، محمد بن اشعث بیکندی، ابوبرده الاسلمی و ابو عبدالله الصبحی و... مؤلف از قول آنها استفاده نموده است.

ابن یزدانبار، برای حضرت رسول اکرم (ص) جمله دعایی صلی الله علیه وسلم را به کار برده و در مواردی برای امام جعفر صادق [ع] از علیهما السلام و برای افراد دیگر از رضی الله عنه بهره جسته است. نیز در نقل قول و مطلب، برای پیامبر اکرم (ص) و بزرگان دین، مولف، فعل «رؤی» را به کار برده و برای بزرگان صوفیه فعل «حُکی» را. از منظر بسآمد آماری، غالب نقل قولها از جنید بغدادی و ابو حفص نیشابوری است. این امر، نیز موید آن است که مولف روضه المریدین بر خلاف ابوبکر بن یزدانبار، با صوفیه بغداد مشکل و نقاری نداشته است. حتی احترام و ارادت خود را با نقل قولهای بیشتر، به آن بزرگان نشان داده است.^۵

مؤلف در لابلای متن، به اشعار مختلف عربی، استناد کرده و متناسب با موضوع آنها را نقل کرده است. در مواردی نیز جملات موزون و مسجع دیده می‌شود:

... السماع لطایف الحق و زوایده و فواید الغیب و عوایده ... (ابن یزدانبار، نسخه A، 52a). و در بعضی موارد، تأویل حروفی از بعضی مفاهیم دارد: مثلاً در تبیین حبّ می‌نویسد: الحبُّ حرفان، حاو با فالحاء آخر حروف من الروح و الباء اول حروف من البدن فمن صحّت المحبه خرج من الروح و البدن ، یكون روحاً بلا بدن و بدنا بلا روح (ابن یزدانبار، نسخه A، 60a) ترجمه: حب از دو حرف تشکیل یافته است: حا و با، پس «ح» حرف آخر کلمه روح است و «ب» اولین حرف کلمه بدن، پس هر کس که محبت او صحیح باشد، از روح و بدن فارغ می‌شود: روحی می‌شود بدون بدن و بدنی می‌شود بدون روح.

روضه‌المریدین، به سان دیگر آثار عرفانی است و مانند کشف‌المحجوب، رساله قشیریه و اللمع به توضیح و تبیین مفاهیم و اصطلاحات کلیدی تصوف و عرفان می‌پردازد. مؤلف برای حصول این امر، جابه‌جا به نقل اقوال از مشاهیر عرفانی پرداخته است. پس از چاپ و نشر این اثر، می‌توان به ارزیابی کامل آن از جنبه‌های مختلف عرفانی، ادبی، فکری پرداخت.

در این بخش، نمونه‌ای از باب نهم را نقل می‌کنیم، درباره «آن چه که تصوف بر آن استوار است»:

قال سَهْلُ بن عبد الله: اصلُ مَذْهَبِنَا ثَلَاثَةٌ اشْيَاءُ: اَكْلُ الْحَلَالِ وَ الْاِقْتِدَاءُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ فِي الْاِخْلَاقِ وَ الْاِفْعَالِ وَ الْاِخْلَاصِ النَّيِّهِ فِي جَمِيعِ الْاَعْمَالِ وَ قَالَ الْجَنِيْدُ مَنْ لَمْ يَحْفَظِ الْقُرْآنَ وَ لَمْ يَكْتُبِ الْحَدِيثَ لَا يَقْتَدِي بِهِ فِي هَذَا الْأَمْرِ يَعْنِي التَّصَوُّفَ لِأَنَّ عَلْمَنَا مَضْبُوطٌ بِالْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ ثُمَّ قَالَ كُنَّا لَا نَعْبَأُ بِالصُّوْفِيِّ إِذَا دَخَلَ التَّصَوُّفَ بغير علم (ابن یزدانبار، نسخه A ، 19b).

ترجمه: سهل به عبدالله گفت: اصل مذهب ما بر سه چیز استوار است: غذای حلال، اقتدا به رسول‌خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، در اخلاق، کردار و اخلاص نیت در همه کارها. و جنید گفت: هر کس، قرآن را حفظ نکند و به کتابت حدیث نپردازد در این امر یعنی تصوف، نمی‌توان به او اقتدا کرد برای این که علم ما به وسیله قرآن و سنت محفوظ مانده است. سپس گفت: ما صوفی را که بدون علم وارد تصوف شود، به رنج و زحمت نمی‌افکنیم.

در پایان، یک حکایت از متن روضه‌المریدین را برگزیده‌ایم و سپس ترجمه آن را از کشف‌الاسرار میبیدی نقل می‌کنیم و می‌خواهیم نشان دهیم که هر چند گرد فراموشی

و گمنامی بر رخسار آن نشسته است، ولی در مطالعات عرفانی و مشخص کردن حلقه‌های فهم عرفان، این اثر نیز قرابتی با امهات متون عرفانی دارد:

وَقَالَ بَشْرُ بْنُ الْحَارِثِ مَرَّتُ بِرَجُلٍ وَقَدْ شَدَّ بَيْنَ الْهِنَابِذِينَ فِي الشَّرْقِيَةِ بِبَغْدَادَ وَقَدْ ضَرَبَ الْفَ سَوْطٍ وَ لَمْ يَتَكَلَّمْ ثُمَّ حَمَلَ إِلَى الْحَبْسِ فَتَبِعْتَهُ فَقُلْتُ لَهُ لِمَ ضَرَبْتَ قَالَ لِأَنِّي عَاشِقٌ فَقُلْتُ وَ لِمَ سَكَتَ فَقَالَ لِأَنَّ مَعْشُوقِي كَانَ حِدَائِي فَقُلْتُ وَلَوْ نَظَرْتَ إِلَى الْمَعْشُوقِ إِلَّا كَبْرًا؟ فَزَعِقَ زَعَقَةً خَرْمِيَّتًا. (ابن یزدانیار، نسخه 58a / A). میبیدی این حکایت را در کشف الاسرار به قرار زیر ترجمه کرده است:

بشر حافی گفت در بازار بغداد می‌گشتم یکی را هزار تازیانه بزدند که آه نکرد آن گه آن را به حبس بردند از پی وی برفتم پرسیدم که این زخم از بهر چه بود؟ گفت از آن که شیفته عشقم. گفتم: چرا زاری نکردی تا تخفیف کردندی؟ بگفت از آن که معشوقم به نظاره بود به مشاهده معشوق چنان مستغرق بودم که پروای زاریدن نداشتم. گفتم: ولو نظرت الی الاکبر و گر دیدارت بر دیدار دوست معین آمدی خود چون بودی؟ قال فزعق زعقة و مات - نعره‌ای بزد و جان نثار این سخن کرد (میبیدی ۱۳۶۱، ج ۱ ص ۴۲۴).

معرفی نسخه‌های «روضه‌المیردین»

در ایران دو نسخه از این اثر به صورت میکروفیلم وجود دارد:

۱- نسخه A: این نسخه، نسخه مستقلی است و توسط مرحوم دانش‌پژوه از دانشگاه پرینستون عکس‌برداری شده است در صفحه اول آن، ابتدا عنوان و نویسنده آن ذکر شده است و بعد جمله‌ای از محمدبده‌خشانی را نقل کرده‌است: « خاک شو خاک شو اما نه خاککی بیخته، آبکی در او ریخته نه زیر پا را از او دردی و نه پشت پا را از او

گردی» به خط درشت و بسیار خوانا تحریر یافته است. این نسخه چندین صفحه بیشتر از نسخه دوم (B) دارد. نام کاتب آن قاسم بن ناصر بن سلمان است و تاریخ کتابت آن سال ۷۵۸ هـ بوده است.

۲- نسخه B: در خلال جنگ حجمی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران قرار دارد با خطر ریز تحریر یافته است و در داخل کادر نوشته شده است و این نشان دهنده آن است که این نسخه متأخرتر از نسخه A است. از کاتب و تاریخ کتابت آن اثری نیست. این اثر به صورت کامل و به روش علمی توسط نگارنده تصحیح شده و امیدوار است، پس از ترجمه و توضیح کافی در آینده منتشر شود.

نتیجه گیری

- ۱- در تاریخ عرفان ایران دو صوفی به کنیه ابن یزدانبار بوده است: یکی به نام ابوبکر بن یزدانبار ارموی که در سال ۳۳۳ هـ درگذشته است و دیگری به نام ابوجعفر بن یزدانبار، که تاریخ دقیق حیات و وفات او معلوم نیست.
- ۲- ابوجعفر بن یزدانبار اثری به نام «روضه‌المیریدین» تألیف کرده است و آن شرح و توضیح مقام عرفانی است این اثر چهل و سه باب دارد که مولف در آن به اقوال بزرگان دین و عارفان بزرگ استناد کرده است.
- ۳- روضه‌المیریدین، اثری است به زبان عربی که مولف آن را به سبکی ساده و روان نوشته است در خلال متن از اشعار عربی متناسب با متن نیز بهره جسته است.
- ۴- پس از چاپ و نشر این اثر می‌توان درباره اهمیت آن از جنبه‌های مختلف ارزیابی کرده و نظر داد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- پژوهش‌های ایران‌شناسی، ج ۲۰، آفرین‌نامه، (پایان‌نامه دکتر محمد امین ریاحی) به خواستاری دکتر شفیع کدکنی و استاد ایرج افشاری، ۱۳۸۹؛ انتشارات بنیاد موقوفات افشار.
- ۲- طبقات الصوفیه ص ۴۰۷-۴۰۹ و مجموعه آثار سلمی ج ۱ ص ۳۹۴ و ج ۲ ص ۴۶۴، حلیه الاولیاء ج ۱۰ ص ۳۶۳، الرساله القشیریه ص ۳۰، ص ۵۱، ترجمه رساله قشیریه ص ۷۷، ص ۱۴۳، ص ۵۴۵، نتایج الافکار القدسیه ج ۱ ص ۲۰۱، اللمع چاپ نیکلسون ص ۱۸۰، طبقات الاولیاء ص ۷۸، شرح التعرف ربع ج ۱ و ۵ ص ۲۲۰-۲۲۱، تاریخ گزیده ص ۶۵۸ - ۶۵۹، طبقات الصوفیه المناوی ج ۲ ص ۸۰-۸۲، نفحات الانس ص ۱۸۷، دانشمندان آذربایجان ص ۴۰۱، بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی ص ۱۵۹-۱۶۳ و جستجو در تصوف ایران ص ۱۲۸.
- ۳- این حکایت در مجموعه آثار سلمی با اندک اختلاف نقل شده است، رش به مجموعه آثار ج ۲ ص ۴۶۴.
- ۴- دو منبع برای تاریخ جوانمردی و فتوت، راهنمای کتاب ص ۴۰۴ - ۴۰۶.
- ۵- جستجو در تصوف ایران ص ۱۲۸-۱۲۹ و ص ۳۹۴-۳۹۵.
- ۶- در اللمع چاپ عبدالحلیم محمود طه سرور ذکر شده که شبلی به ابوبکر بن یزدانینار، لقب «ثورالارمنی» داده است رش اللمع ص ۵۰۴.
- ۷- علی‌رغم اختلاف نام راوی در دو متن، موضوع و جزئیات حکایات یکی است.

منابع

- ابن ملقن ، طبقات اولیاء حقه و خرجه نورالدین شریه، دارالمعرفه، الازهر، الطبعة الثانية ، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶
- ابن یزدانبار ابوجعفر، روضه‌المربدین، میکروفیلم نسخه خطی (و دستنویس آن)، تاریخ کتابت ۷۵۸
- اصفهانی حافظ ابونعیم، حلیه الاولیا ج ۱۰، مطبعه الانوار الحمدیه، بی تا و بی جا
- تربیت محمدعلی، دانشمندان آذربایجان، مطبعه مجلس، طهران، ۱۳۱۴
- جامی عبدالرحمن (۱۳۷۵)؛ نفحات الانس، مقدمه تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، اطلاعات، تهران.
- حاجی خلیفه (۱۹۴۲)؛ کشف الظنون، تصحیح و طبع محمد شریف الدین یالتقایا، رفعت بیگلر کیسی، و کاله المعارف.
- دانش پژوه محمدتقی (۱۳۵۲)؛ دو منبع برای تاریخ جوانمردی و فنوت، راهنمای کتاب، سال ۱۶، تهران.
- زرین کوب عبدالحسین (۱۳۶۳)؛ جستجو در تصوف ایران، امیر کبیر، تهران.
- سراج طوسی ابونصر (۱۹۱۴)؛ اللمع فی التصوف، تصحیح رنولدالن نیکلسون، مطبعه بریل، لیدن.
- _____ (۱۹۶۰)؛ اللمع، حقه و قدم له و خرج احادیثه عبدالحلمیم محمود، طه عبدالباقی سرور لجنه نشر التراث الصوفی.
- سلمی ابوعبدالرحمن (۱۹۵۲)؛ طبقات الصوفیه، تحقیق نورالدین شریه، جماعه الازهر للنشر و التالیف، مصر.
- _____ (۱۳۷۲)؛ مجموعه آثار ج ۲ گردآوری نصرالله پور جوادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

- عثمانی ابوعلی (۱۳۶۱): ترجمه رساله قشیریه، تحقیق بدیع الزمان فروزانفر، علمی و فرهنگی، تهران.
- عروسی سیدمصطفی، نتایج الافکار القدسیه فی بیان معانی شرح الرساله القشیریه ج ۱، بی تا و بی جا (نسخه خطی)
- قشیری عبدالکریم (۱۳۵۹): الرساله القشیریه، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده بمصر، الطبعه الاولى.
- مستملی بخاری اسماعیل (۱۳۶۳): شرح التعرف بمذهب التصوف، با مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن، اساطیر، تهران.
- مستوفی قزوینی حمدالله (۱۳۶۴): تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، امیرکبیر، تهران.
- مناوی زین الدین (۱۹۹۹): طبقات الصوفیه الکواکب الدریه فی تراجم الساده الصوفیه، تحقیق محمد ادیب الجاور، الجزء الثاني، دار صادر، بیروت.
- میبدی رشیدالدین ابوالفضل (۱۳۶۱): کشف الاسرار ج ۱، به کوشش علی اصغر حکمت، امیرکبیر، تهران.
- هیأت مولفان (محمود رامیان، محمدتمدن، علاءالدین تکش) بزرگان و سخن سرايان آذربایجان غربی، بی تا و بی جا